



۲۰۱۵/۰۸/۲۴

صلاح الدین «سعید افغانی»

ما و ادامه شرارت‌های پاکستان (قسمت اول)

حوادث چار دهه اخیر که اکثریت مردم ما آن را به چشم سر دیدند مردم ما را و لو به قیمت گزاف اما حد اقل تجربه کار و آبدیده کرد. (اگر خانه سوخت اقل دیوار هایش پخته شد). کشور و مردم ما اعمال و کردار افراد، اشخاص، گروه ها، احزاب سیاسی و حاکمیت های مختلف را همراه با روش ها و عمل کرد های همسایه های دور و نزدیک، دوستان و دشمنان به شمول دشمنان در لباس دوست را تجربه کردند و حد اقل با دادن قربانی های بزرگ جهان دیده، تجربه کار و آبدیده شدند.

خورد و بزرگ ما، تحصیل کرده و بی تحصیل ما تا حدی زیادی پختگی سواد خوبی سیاسی دارند. مردم ما تا حدی زیادی به عمق اکثر قضایا و بازی های صادق و غیر صادق، خدمت و خیانت جوانب مختلف نیدخیل و شرارتها دوامدار پاکستان پی برده و درد آن را به چشم سر مشاهده و به گوشت و پوست خویش لمس کردند. و این پروسه هنوز هم ادامه دارد.

ای اس ای یعنی پاکستان در ادامه شرارت و فریب دایمی خویش شخصی ملا محمد عمر اخند را که قرار معلومات خود شان دوسال قبل وفات کرده و یا توسط ای اس ای کشته شده حد اقل دوسال از قبر فتوی مرگ و قتل مردم افغانستان را صادر میکرد و به این ترتیب پاکستان از جهان و افغانستان امتیاز میگرفت.

درین راستا به یقین ما قربانی منافع کشور ها و بازی های خورد و بزرگ منطقه و جهانی شدیم و در بازی ها و جنگ دیگران قربانی دادیم و این پروسه هنوز هم ادامه دارد.

برای بعضی ها ممکن تعجب آور باشد که ما حتی قربانی سیاست امنیت دولت و زمامداران کشور عربستان سعودی و اسرائیل و منافع نفتی کشور های منطقه و بخش از کشور های دیگر جهان شده و برای تجارت سلاح و مواد سوخت شان قربانی داده ایم و این پروسه هنوز که هنوز است، ادامه دارد.

زمانیکه کشور های بزرگ جهانی نفت خویش را از شرق میانه، سعودی و بخش از کشورهای عربی با حکومت متحابه ای شان تضمین و توافق کردند برای حکمای این کشور های عربی گفته شد که اگر با ما تجارت کنید و نفت خویش را در اختیار ما قرار دهید و از ما سلاح بخريد ما امنیت شما و بقای شما را در قدرت سیاسی کشور شما تأمین و تضمین میکنیم. حکومت عربستان سعودی بخاطر وجود تشنج و خطرات بقای خویش در منطقه در دوسه سال اخیر سلاح های مدرن به ارزش بیش از ۶۴ میلیارد دالر تنها از امریکا خریداری کرد و به ادامه همین سیاست است که کاندید ریاست جمهوری از حزب جمهوری خواهان امریکا آقای دونالد ترامپ میگوید که: بدون حمایت ایالات متحده امریکا دولت به نام عربستان سعودی وجود داشته نمی تواند. (۱۷/۰۸/۲۰۱۵).

به همین سلسله وبا همین ارتباط بود که دربخش تلاش برای فروکش کردن مسأله فلسطین از سرخط مطبوعات، تقلیل تهدید نیرو های جهادی علیه کشور اسرائیل، کم کردن فشار علیه فرمانروایان کشورهای مطیع در شرق میانه و نفت خیز و از جمله در حمایت از حاکمیت عربستان و کار برای بقای شان در حاکمیت به زور سرنیزه، ضرورت بود تا نیرو های جهادی و کار زار جهادی این کشور ها در سالهای هفتاد قرن گذشته باید با اجرای مانور های قبلاً سازمان داده شده از منطقه تکلیف کم کنند. یا از بین برده شده و یا برای شان در محل دور تر از محلات نفت خیز جهان در مقام اول دور تر از کشور سعودی، اردن، امارات، قطر و دورتر از کشور اسرائیل میدان کار زار جهادی یافت شود و شد.

در پهلوی این درقسمت سرکوب بی رحمانه ملت و بخش از نیرو های جهادی غیر قابل مهار در کشور های عربی در آن وقت و همین حالا هم از نیرو های نظامی بی رحم پاکستان استفاده شده و میشود. درین عملیات و سرکوب افراد و گروه های غیر قابل مهار برای حکومت شان و درین میان سرکوب ملت مسلمان این کشور های عربی رهبران و استخبارات نظامی و نظامیان مطرح و ارشد پاکستان به شمول جنرال ضیاء الحق، جنرال مشرف، جنرال

د پانوی شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی دلیکنی بنی پاروالی د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

پاشا و... نقش مستقیم حضوری درین کشورها در مدت های زمانی مختلف داشته اند و دارند. نظامیان پاکستان در مسلمان گنشی کشور های عربی بی رحمانه کار کردند، پول اندوختن و این پروسه تا هنوز ادامه دارد. قرار اطلاعات مطبوعات جهان در زمانیکه پروسه صلح قطر بین افغانستان و طالبان آغاز گردید در آن زمان جنرال پاشا رئیس استخبارات نظامی اسبق پاکستان در قطر به حیث مشاور کار میکرد. تصادفی نبود که این پروسه هم در پهلوی سایر عوامل دیگر ناکام ساخته شد.

چنانچه گفته آمدیم بخش دوم اجندای جهانی همانا یافتن کار زار جهادی برای نیرو های جهادی غیر قابل مهار برای حکومت عربی بود. لذا میدان کار زار جهادی باید در محلات دورتر از محلات نفت خیز جهان تهیه شد و درین پروژه ها خونین باز هم پاکستانی ها و نظامیان شان به حیث مجری عمل کرده اند و میکنند.

در تطبیق این برنامه سوق و رفتن گروه بن لادن به سودان و از آنجا به پاکستان و یا افغانستان امر تصادفی نبود که همه با سهم فعال پاکستان صورت گرفت. درین برنامه اهداف تهدید و مهار کردن کمونیزم و سقوط کمونیزم و مبارزه علیه ایران نیز جای و مقام خاص خود را داشت که در تحلیل نهایی نقاط ستراتیژیک آسیای میانه و نفت و گاز آن برای برنامه های اقتصادی نیم قرن بعد مطرح بود و است. درین زمینه به ویدیوکلپ های خانم هیلاری کلنتون کاندید ریاست جمهوری فعلی امریکا، اظهارات اخیر جنرال ڈرانی رئیس اسبق استخبارات نظامی پاکستان در مصاحبه با شبکه تلویزیونی الجزیره درلندن و اظهارات جنرال مشرف و صدها سند دیگر میتواند این حقایق را به صورت واضح و روشن مستند سازد.

پاکستان یکی از مهره های عمده این پلان ها شد و در صدور ترور با نیروی نظامی شش صد و پنجا هزار نفری خویش حاضر به هر عمل در مقابل پول و تطبیق برنامه های روشن و سیری خویش ادامه داد و به خون و بربادی مردم بی گناه منطقه و افغانها ادامه داد و این پروسه هنوز که هنوز است ادامه دارد. اظهارات جنرال مشرف در کتاب خویش ثابت میسازد که با دادن پایگاه های نظامی در شمسیه و دیگر مناطق پاکستان به نیرو های نظامی غربی در مقابل پول نزدیک ترین همکاران و همپیمانان خویش را با خانم های شان در جوال ها انداخته و فروختند. برعلاوه دیگر به کتاب ملا عبدالسلام ضعیف سفیر سابق طالبان در پاکستان مراجعه که لوچ و برهنه با بسیاری شرمی از جانب نیرو های نظامی پاکستان به فروش رسید.

من تعجب میکنم و بار ها منطق سخن را هم تشریح کرده ام که در جنگ، شرارت و فتنه جاری در افغانستان منافع پاکستان، حاکمیت عربستان سعودی و بخش کشور های دیگر تضمین میشود، پس چطور سیاست مداران و حکام افغانستان از زعمای این کشور میخواهند تا در تأمین صلح در افغانستان مساعدت کنند. این مطلب را ابتدایی ترین منطق قبول کرده نمی تواند که این کشور ها ما را در تأمین صلح مساعدت کنند.

توقع مساعدت در امر صلح در کشور ما ازین حکام که منفعت شان در جنگ و خون ریزی در افغانستان بود و است، ساده گی و خامی سیاسی بیش نبوده و نیست. این حالت به صورت واضح عدم فهم القبای سیاسی قواعد بازی کار زار سیاسی را از جانب این حکام درین عرصه ثابت میکند.

اصل مسأله در این است که منافع این زمامداران، حکام و جنرالان در ادامه جنگ در کشور ما است.

نظامیان پاکستان، عربستان سعودی و... توانستند از طریق سودان و بعد افغانستان ترور و دهشت را وسیله ای برای مهار کردن خطر ایران، خطر روسیه و کمونیزم و درین میان پُر کردن جیب های جنرالان پاکستان و اهداف شومی ستراتیژیک علنی و سیری خویش به کار برده و سازماندهی کردند و میکنند.

در چنین شرایط افغانها و مردم بی گناه منطقه و افغانستان قربانی دادند و این پروسه به نحوی ادامه دارد. بلی پاکستان با بدست آوردن فرصت نان خویش را در تنور داغ پُخت و در کار زار جهادی ضد کمونیزم با استعمال وسیله دین از گاو غدودی به مردم افغانستان نیز رسید. به این ترتیب بعضی از تاجران دین، قوم و سمت در افغانستان نیز به قیمت خون، بمب، خرابی، دود، باروت به مردم افغانستان نیز میلیونر شدند اما ازین کثافت لقمه بزرگ را پاکستان برداشت و جیب های جنرالان پاکستانی پُر شود.

در نتیجه تلاش صورت گرفت و تمام چینل ها و شبکه های استخباراتی و نظامی شان چنان فعال ساخته شدند تا برسرملت افغان افراد بی کفایت، فرمانبردار و پابند به منافع خارجی و جاسوس مسلط شده و در نتیجه در بازی و فریب آغاز شده میلیارد ها دالر (۱۰۴ میلیارد دالر) و پوند های زیادی پول کشور های خارجی به نام افغانستان از جیب مالیه دهنده گان این کشور ها گرفته شده و به نام افغانستان و حقوق بشر و کمک های انسانی، دیموکراسی و... حیف میل شدند. قرار احصایه های معتبر جهان صرف بیست فیصد این کمک ها در افغانستان مصرف و بقیه

به جیب آن خارجی های رفت که بر وضع کشور ما مسلط بودند و استخوانی هم به دهن حکام بی کفایت افغانی رسید و این پروسه ادامه دارد.

جنرالان پاکستانی در پهلوی جیب پُر کردن و تحت نامه مبارزه علیه تروریسم هر حرکت ملی، مترقی و آزادی خواهانه پشتون و بلوچ را با بسیار بی رحمی سرکوب و سر به نیست کردند و این تراژیدی هنوز هم ادامه دارد. ملاحی ای اس ای چون ملا فضل الرحمن و... جهاد افغانستان را بقای پاکستان خواندن و به این ترتیب خلاف تمام ارزش ها و آموزه های دین مقدس اسلام به قتل و غارت در کشور ما فتوی دادند و این پروسه ادامه دارد. برای فریب جهان نظامیان پاکستان به نام عملیات نظامی علیه تروریستان در بخش از مناطق پاکستان اول عمال و گماشته گان ای اس ای را از محل خارج و باز به عملیات نظامی نمایشی به قتل و غارت مردم بومی و هر آن شخص و شخصیت دست زدند که از آن تصور ضد حاکمیت پاکستان وجود داشت. بحث و اسناد درین باره انقدر وسیع اند که ایجاب بحث و وسیع مستقل را میطلبد. از صد ها سند یکی را مثال می آوریم:

زمانیکه در مصاحبه اخیر تلویزیونی تلویزیون الجزیره با جنرال دُرانی رئیس اسبق ای اس ای در مورد بازی دوگانه کثیف، ضد انسانی پاکستان که منجر به قتل و غارت انسانهای بی گناه و افغانها میشود، در جواب خبرنگار الجزیره، بعداً علیه من در محکمه استفاده شود، بخش اخلاقی اعمال خویش را نفی نمود و میگوید که در بازی تیتر و سرکس اگر بازی کنی نتواند بر دواسپ در عین وقت اسپ دوانی کند درین صورت جای برای چنین بازی کنی در سرکس و تیتر نیست. جنرال دُرانی با تبسم اضافه و افاده میکند که در کار شان جانب اخلاقی مطرح نبوده و اگر فرصت پیدا کند عین کار را خواهد کرد و خود را بازی کن میداند که در مطابقت به پلان داده شده عمل متناسب کرده است و.....

کار مستند سازی بازی های دوگانه کثیف علیه مردم ما و مردم بی گناه منطقه درین راستا و ارایه این اسناد به جامعه جهانی و محاکمه جنایت ارتکاب یافته علیه افغانستان و مردم بی گناه چه از لحاظ مسلط ساختن عمال پاکستانی و یا هم بی کفایت در گُرسی های حساس مسلکی و امنیتی و کشفی و بالاخره تأمین عدالت در قسمت تقلبات و تخلفات وسیع صورت گرفته در کشور ما در توان اداره ناتوان افغانی بس دشوار و در مواردی نا ممکن است تا به نتایج متناسب خوبی نایل شد. با تأسف این حالت و این پروسه در بخش زیاد موارد هنوز هم ادامه دارد.

مصروف ساختن عده از حکام افغانی حتی صالح و خیر خواه درین سیستم وجود داشته باشند چنان به مسایل غیر از وظایف اصلی شان و تمرکز اجباری شان در مسایل امنیتی و نجات سر و خود مصروف ساخته شدند که حتی حاکمیت جدید افغانی به زعامت داکتر محمد اشرف غنی و داکتر عبدالله عبدالله هم کاری مؤثری درین راستا تا هنوز کاری مؤثر و ملموس کرده نتوانند.

محسوس است که کار دیپلوماتیک و استخباراتی افغانی اکثراً به افراد به اساس روابط میراثی، خانواده گی و روابط جیبی و شخصی سپرده شده و اساس ضوابط و توانایی های افراد در مقام های بعدی و فرعی قرار گرفته که در نتیجه دولت افغانی بلی دولت در مجموع وظایف خویش را اداء نه کرده و نظر به وضع موجود مشکل کما کان ادامه دارد.

عملاً در پهلوی ناتوانی افراد حاکم، ستون پنجم و جنگ اعلان نشده پاکستان علیه افغانستان و افغانها چنانچه گفتیم آمدیم ادامه پیدا کرده و این بازی کثیف پاکستان با تمام وقاحت و با تمام ابعاد و انواع مختلف آن ادامه دارد. در مواردی ستون پنجم دشمن بر محلات بس مهم قدرت سیاسی مسلط شده، عده مزدورانه و عده معذورانه مصروف تبلیغات وسیع زهر آگین علیه مقدسات و ارزشهای افغانی بوده و عده هم در بخش مطبوعات مصروف برنامه های وسیع به شمول برنامه وسیع تهاجم فرهنگی اند و عده هم به برادرکشی و خرابی وطن حتی تحت نام ها و اندیشه های مقدس کار میکنند. به این ترتیب این افراد و حلقات عملاً مانع اعمار مجدد کشور و جامعه شده و کارد به استخوان رسیده است. به این ترتیب عده عمدی و عده معذورانه بدون درک ابعاد کار خویش در خدمت اهداف دشمن قرار گرفته اند. دین مقدس اسلام را که دین رحمت برای عالمیان است به جهان و جهانیان با عمل کرد خویش به دین ارباب و رعب متهم ساخته اند و به نام دین به جنایت دست میزنند. انفجار های اخیر ماه اوگست در شاه شهید کابل و دهها مورد دیگر به هیچ وجه نه جهاد بوده می تواند و نه جهاد است. عملیکه به قتل انسانهای بی گناه و حتی اطفال در خواب منجر شده عمل شنیع، ضد اسلامی و ضد انسانی بیش نیست و چیزی بیشتر ازین بوده نمی تواند و نیست.

در چنین شرایط با سیاست مصالحه سیاسی که اصولاً باید سبب و وسیله کشیدن افغانها از وسیله بودن دشمن شوند نیز مانند ابزار سیاسی و فریب به کار گرفته شد و در موارد با فهم غلط ازین سیاست، نظر و مفکوره عالی انسانی و دولتداری خوب به بد راهه کشانیده شد و به این ترتیب به تراژیدی ملت مظلوم ما ادامه داده شده است. بخشی از جانب مخالفین مسلح نیز با لجابت در زمینه پرداخت، بدون پیشکش کردن راه حل عملی و ممکن عملاً اسیر در چنگ دشمن یکسره به کار بُرد سلاح تأکید دارند و مؤثر و سازنده در توقف برادر کشی و خانه خرابی افغانها نه مطرح نه کرده اند.

منظور ما ازین بحث و قال و مقال چنین هم نیست که گویا مخالفین مسلح باید سلاح به زمین گذاشته و تسلیم حاکمیت کابل شوند. اما جستن راههای عملی و منطقی قابل قبول که منجر به تفاهم بین الافغانی شود و موجب حد اقل قربانی شده و نجات وطن و مردم ما را موجب گردد و وظیفه اسلامی و انسانی نیز است تا حال به صورت محسوس به پیش برده نه شده و درپیش گرفته نه شده. به یقین یکسره تأکید کردن به سلاح، تفنگ و انتحاری عمل حرام و ضد آموزه های اصیل اسلامی میباشد.

درین میان چنانچه گفته آمدیم جواسیس دشمن به صورت صریح در مواردی موفقیت هایی داشته و توانسته اند بر وضع مسلط حتی شخصیت های ملی و وطن خواه کشور را با پروژه های خوب اقتصادی و سیاسی کشور به انواع مختلف حتی تا سرحد ترور و گذاشتن بمب های مقناطسی با شکست، خرابی و مشکلات جدی مواجه سازند. برنامه تطمیع هم در مواردی در عدم پیگیری قضایا توسط بعضی وکلای پارلمان و... در بخش از موارد محسوس می بینم. حتی کار های خوب اجراء شده و برنامه های نسبتاً خوب روی دست گرفته شده در بخش سکتور خصوصی با مشکلات زیادی مواجه شده و مجبور به رکود و فرار سرمایه و تاجر میشوند.

قابل توجه خاص درین امر این واقعیت است که بخش از مشخصه های امروزی عصر ما در مورد جاسوس که آنرا میتوان مشخصه جدید خواند این است که تفکیک خائین و خادم را مغشوش شده است.

لذا سوال مطرح میشود چطور میتوان جاسوس دشمن، خادم و خاین را شناخت و چطور تفکیک کرد تا خادم را تأیید و فریب دشمن را نه خوریم.

جاسوس کیست و چطور میتوان آنرا شناخت؟

بدون رفتن به قاموس های بزرگ تفسیر و تشریح ابعاد و معانی این لغت و اصطلاح چنین است که: ضرورت به تذکر میدانم که از لحاظ معنی و تحت اللفظی معنی هر لغت ثابت است که سیاه سیاه و سفید سفید است. اما معنی و یا معانی اصطلاحی خصوصاً اصطلاحات سیاسی در طول تاریخ متفاوت گردیده و تصادفی نیست که سفارش میشود که باید هر قاموس و فرهنگی باید حداقل در هر سی سال از سر چاپ و تجدید نظر شود.

مسلم است که بعضی لغات و خاصتاً اصطلاحات سیاسی در طول زندگی خویش معانی و ابعاد مختلف را احتوی میکنند. به این ترتیب سیاه در معنای اصطلاحی و در سیاق جملات مختلف دارای معانی اصطلاحی مختلف با ابعاد مختلف تعبیر و تفسیر میشود.

پایان قسمت اول